

عوامل تعیین‌کننده‌ی انتقالات بین نسلی والدین سال‌مند و فرزندان بزرگ‌سال در

شهر تهران^۱

مجید کوششی^۲، علی حصارى^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵

چکیده

انتقالات بین نسلی خصوصی به عنوان جزئی از روابط بین نسلی به مبادلات مالی و غیرمالی بین نسل‌های مختلف در خانواده گفته می‌شود. انتقالات مالی به عنوان جبران‌کننده‌ی کسری چرخه‌ی عمر در سنین بالا و پایین و عامل مهمی در تأمین نیازهای اعضای خانواده در این مراحل از چرخه‌ی عمر تلقی می‌شود. هدف از این مطالعه، شناخت ترکیب انتقالات بین نسلی، عوامل تعیین‌کننده‌ی این انتقالات و درک پیچیدگی‌های آن در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران است. داده‌های مورد نیاز از طریق پیمایش نمونه‌ی ۶۸۱ نفری از سرپرستان خانوار ۵۰ ساله و بیش‌تر شهر تهران در تابستان سال ۱۳۹۶ جمع‌آوری شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در سطح زوج‌های والدین - فرزندان، والدین، به هر فرزند، ماهیانه ۶۰۵۰ هزار ریال پرداخت و ۱۶۸۰ هزار ریال دریافت کرده است. الگوی سنی انتقالات نشان می‌دهد که انتقالات پرداختی والدین با افزایش سن آن‌ها کاهش و انتقالات دریافت‌شده‌ی آن‌ها افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که سطح درآمد والدین، مهم‌ترین عامل در تبیین انتقالات بوده و میزان منابع و نیازها و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی طرفین انتقالات نیز عوامل مهمی در تبیین این‌گونه انتقالات بوده است. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که انگیزه‌های انتقالات بین والدین و فرزندان با مدل‌های هم‌نوع‌دوستانه سازگارتر است.

واژه‌های کلیدی: انتقالات خصوصی؛ والدین سال‌خورده؛ فرزندان بزرگ‌سال؛ الگوی انتقالات؛ هم-نوع‌دوستی.

^۱ این مطالعه با حمایت مالی مؤسسه‌ی راهبردهای بازنشستگی صبا انجام شده است.

^۲ استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، (نویسنده‌ی مسئول)،

^۳ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،

مقدمه

انتقالات بین نسلی^۱ جزئی جدانشدنی از روابط و پیوندهای بین نسلی و عبارت است از مبادله‌ی انواع گوناگونی از منابع شامل حمایت‌های مالی، عاطفی و عملی و به اشتراک‌گذاشتن دانش و مهارت‌ها میان نسل‌های مختلف در خانواده(هاگستاد^۲ و هرلوفسون^۳، ۲۰۰۵؛ لی^۴ و ۲۰۱۱؛ میسن و همکاران، ۲۰۰۶). انتقالات بین نسلی را به دو دسته‌ی انتقالات عمومی^۶ و خصوصی^۷ تقسیم‌بندی و انتقالات خصوصی را تحت عنوان بازتخصیص منابع و دارایی‌ها از یک گروه سنی به گروه سنی دیگر تعریف کرده‌اند که از نظر کاردی^۸ و ان جی^۹ (۲۰۰۳)، آتیاس-دانفوت^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۵)، لی و میسن (۲۰۱۱)، کاراگیاناک^{۱۱} (۲۰۱۱) و آلبوکرکی^{۱۲} (۲۰۱۴) به صورت انتقالات مالی^{۱۳}، زمان^{۱۴} و فضا^{۱۵}(هم‌سکنایی) انجام می‌شود. انتقالات مالی نیز یا به صورت مبادلات مالی بین اعضای زنده‌ی خانواده یا به صورت ارث مبادله می‌شود(کوهلی^{۱۶}، ۱۹۹۹). انتقالات خصوصی به دو شکل مبادله بین اعضای زنده‌ی خانواده^{۱۷} و ارث^{۱۸} صورت می‌گیرد(کوهلی، ۱۹۹۹).

بر اساس روش‌شناسی حساب‌های ملی انتقالات، رفتار اقتصادی افراد در طول چرخه‌ی عمر اقتصادی متفاوت است و میزان درآمد ناشی از کار افراد در سنین اولیه و دوران سال‌خوردگی پایین‌تر از مصرف آن‌هاست که از آن تحت عنوان کسری چرخه‌ی عمر یاد می‌شود. کسری چرخه‌ی عمر از طریق پس‌انداز، بازتخصیص مبتنی بر دارایی‌ها و انتقالات تأمین می‌شود و در نبود انتقالات عمومی، کمبود دارایی‌ها و پس‌انداز انتقالات خصوصی، مهم‌ترین منبع برای جبران کسری

¹ Intergenerational Transfers

² Gunhild O. Hagestad

³ Katharina Herlofson

⁴ Ronald Lee

⁵ Andrew Mason

⁶ Public Transfers

⁷ Private Transfers

⁸ Emaunela Cardia

⁹ Serena Ng

¹⁰ Claudine Attias-Donfut

¹¹ Eleni Karagiannaki

¹² Paula C. Albuquerque

¹³ Financial Transfer

¹⁴ Time Transfer

¹⁵ Space Transfer

¹⁶ Martin Kohli

¹⁷ Intervivos

¹⁸ Bequest

چرخه‌ی عمر است؛ بنابراین آن‌چنان که لی و میسن (۲۰۱۱) نیز تأکید می‌کنند، انتقالات بین نسلی تأثیر زیادی بر سطح رفاه نسل‌ها، عدالت در توزیع منابع و نابرابری دارد و در زمان محدودیت اعتبارات، فقدان بخش عمومی و دارایی‌های اندک افراد و نسل‌ها، این انتقالات خصوصی است که آن‌ها را قادر به مصرفی بیش از درآمدشان می‌سازد. آلبوکرکی (۲۰۱۴) معتقد است که انتقالات بین نسلی در واقع کامل‌کننده‌ی درآمد دریافت‌کنندگان انتقالات، سازوکار خانواده‌ها برای کمک به نسل‌ها برای مقابله با بحران‌ها، گذارها و حتی نیازهای بلندمدت و منابع بالقوه‌ی مهمی برای افزایش رفاه خانواده‌ها هستند.

کاراگیاناک (۲۰۱۱) در مجموع، انتقالات بین‌نسلی را از چند جنبه دارای اهمیت می‌داند. اول این که انتقالات بین اعضای خانواده می‌تواند منابع را بین آن‌ها بازتوزیع کند؛ علاوه بر این انتقالات مالی والدین می‌تواند تأثیرگذاری سیاست‌های بازتوزیع منابع را توسط حکومت تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت انتقالات خانوادگی، تعیین‌کننده‌ای مهم برای رفتار پس‌انداز افراد و محرکی برای انباشت ثروت و میزان‌های پس‌انداز در سطح ملی هستند. از نظر لی (۲۰۱۲)، انتقالات بین نسلی یک موضوع اساسی در اقتصاد جمعیت است. خالص انتقالات والدین به فرزندان، متناظر با هزینه‌های خصوصی فرزندان است و می‌تواند برای سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌ی انسانی فرزندان (سلامت و آموزش) استفاده شود که با بهره‌وری، رفاه و رشد اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند. بر اساس داده‌های حساب‌های ملی انتقالات، کل انتقالات دریافت‌شده در سال ۲۰۰۰ برابر با ۵۴ درصد و مجموع انتقالات خصوصی دریافت‌شده، ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است (لی و میسن، ۲۰۱۱) که اهمیت موضوع انتقالات بین نسلی را برجسته می‌سازد.

از سویی دیگر تغییرات جمعیتی، بازماندگی بالای والدین و فرزندان با یکدیگر و تغییرات اشکال و کارکردهای خانواده، منجر به افزایش تعداد خانواده‌های سه یا چهار نسلی شده است؛ زمینه‌ها و فرصت‌های بیش‌تری برای تعامل و حمایت به وجود آورده و تأثیر متقابل بین نسل‌ها را افزایش داده است (بنگستون^۱، ۲۰۰۱؛ هاگستاد و هرلوفسون، ۲۰۰۵؛ بیانچی^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دایکسترا^۳، ۲۰۱۰؛ دایکسترا و همکاران، ۲۰۱۳). در مورد جامعه‌ی ایران نیز آزاد ارمکی (۱۳۹۵) و چنین عنوان می‌کند که روابط بین نسلی با وجود تضاد نسلی بین والدین و فرزندان

¹ Vern L. Bengtson

² Suzanne Bianchi

³ Pearl A. Dykstra

همچنان پابرجاست و نسل‌های والدین سال‌خورده و فرزندان جوان و بزرگ‌سال از یکدیگر حمایت می‌کنند.

با توجه به موارد ذکرشده می‌توان گفت که در جامعه‌ی ایران نسل فرزندان بزرگ‌سال به دلیل انتقالات عمومی پایین، بیکاری بالا و هزینه‌های بالای گذارهایی مانند تحصیلات عالی، ازدواج، اشتغال، فرزندآوری و... نیازهایی دارند که می‌توان گفت تنها منبع تأمین آن‌ها والدین هستند و والدین سالمند نیز به دلیل کاهش درآمد ناشی از کار در این دوران و انتقالات عمومی ناچیزی که دریافت می‌کنند، باید مورد حمایت فرزندان بزرگ‌سال خود قرار گیرند که در صورت عدم برآورده‌شدن نیازهای مالی، هر دو نسل والدین سال‌خورده و فرزندان بزرگ‌سال با فقر، کاهش مصرف و پیامدهای اجتماعی مرتبط با آن درگیر خواهند بود. بنابراین با وجود محدودیت داده و مطالعات اکتشافی در این مورد، پاسخ‌گویی به سؤالاتی در مورد ترکیب و الگوی انتقالات بین فرزندان و والدین، تعیین‌کننده‌ها و انگیزه‌ی مسلط در انتقالات بین والدین و فرزندان برای دستیابی به تصویری از انتقالات بین والدین سال‌خورده و فرزندان ضروری است.

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات مرتبط با انتقالات بین نسلی، عموماً انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستی و مبادله یا ترکیبی از این دو را به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر انتقالات بین نسلی معرفی کرده‌اند (کاکس^۱ و رنک^۲، ۱۹۹۲؛ کاکس و همکاران، ۱۹۹۶؛ لیتوین^۳ و همکاران، ۲۰۰۸؛ مورازیا^۴، ۲۰۱۴a؛ نورتون^۵ و همکاران، ۲۰۱۳، کوهلی و کیونموند^۶، ۲۰۰۳؛ آلبرتینی^۷ و رادل^۸، ۲۰۱۲؛ کوهلی، ۱۹۹۹). انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستانه بر مطلوبیت انتقال‌دهنده، ابعاد مختلف همبستگی بین نسلی یا تعهد و مسئولیت بین نسلی تأکید می‌کنند و انگیزه‌های مرتبط با مبادله، بر جبران متقابل ویژگی بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری انتقالات متمرکز شده‌اند. برخی مؤلفین بر این عقیده‌اند که هم‌نوع‌دوستی تنها زمانی مؤثر است که کمک‌ها واقعاً مورد نیاز باشند و انتقالات مالی رو به پایین به دلیل نیاز بیش‌تر

¹ Donald Cox, and Stark Oded

² Mark R. Rank

³ Howard Litwin

⁴ Stipica Mudrazija

⁵ Edward C. Norton

⁶ Harald Künemund

⁷ Marco Albertini

⁸ Jonas Radle

تحریک می‌شود (آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲). از نظر کوهلی (۱۹۹۹) عمل انتقال در خانواده توسط هم‌نوع‌دوستی اعضای خانواده شکل می‌گیرد و توسط انگیزه‌ی مبادله یا جبران تکمیل می‌شود. کاکس و همکاران (۱۹۹۶)، کوهلی (۱۹۹۹)، میسن (۲۰۰۱)، کوهلی و کیونموند (۲۰۰۳)، آتیاس-دانفوت و همکاران (۲۰۰۵)، کلوگه^۱ (۲۰۰۹)، آلبرتینی و همکاران (۲۰۰۷)، لیتوین و همکاران (۲۰۰۸)، فوت^۲ و کلوگه (۲۰۱۵)، لئوپولد^۳ و اشنایدر^۴ (۲۰۱۰)، شنک^۵ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند در جوامع پیشرفته، الگوی انتقالات خصوصی در جهت رو به پایین و از والدین سالمند به فرزندان بوده است. در این خصوص کاکس و رنک (۱۹۹۲) معتقدند که انتقالات بین نسلی در طول چرخه‌ی عمر عموماً از افراد میان‌سال به جوانان و سالمندان جریان دارد. آتیاس-دانفوت و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که احتمال انجام انتقالات مالی بین نسلی در خانواده با افزایش سن کاهش می‌یابد. آلبرتینی و همکاران (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه رسیدند که والدین بیش‌تر احتمال دارد که حمایت مالی به فرزندان انجام دهند تا دریافت‌کننده باشند و مورازیا (۲۰۱۴a) و (۲۰۱۴b) نشان داد خالص انتقالات مالی با وجود این که با افزایش سن کاهش می‌یابد، از والدین به فرزندان جریان دارد.

کوهلی (۱۹۹۹)، کوهلی و کیونموند (۲۰۰۳)، کوهلی و آلبرتینی (۲۰۰۶)، آلبرتینی و همکاران (۲۰۰۷)، لیتوین و همکاران (۲۰۰۸)، کلوگه (۲۰۰۹)، لی (۲۰۱۲) و فوت و کلوگه (۲۰۱۵) نشان دادند که سیستم رفاه کشورها و مزایای فراهم‌شده توسط دولت، خانواده‌ها را قادر به حمایت و انتقالات بین‌نسلی می‌کند و تفاوت کشورها در سطح و نوع انتقالات را متأثر از سیستم رفاه کشورها می‌داند. ولی شنک و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند انتقالات نه بر اساس سیستم رفاه کشورها، بلکه بر اساس سطح ثروت خانواده‌ها متفاوت است. این مطالعات بر هم‌نوع‌دوستی والدین به عنوان تبیین‌کننده‌ی انتقالات تأکید می‌کنند.

مرور آثار موجود در مورد انتقالات بین نسلی همچنین نشان داد که منابع و نیازهای طرفین عوامل کلیدی در مدل‌های هم‌نوع‌دوستانه هستند و درآمد و ثروت دریافت‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان تعیین‌کننده‌ی منابع و نیازهای دو طرف و عوامل مهمی در هدایت جریان انتقالات

¹ Fanny A. Kluge

² Tobias C. Vogt

³ Thomas Leopold

⁴ Thorsten Schneider

⁵ Niels Schenk

بین نسل‌ها هستند. زمانی که درآمد و ثروت فرد در خانواده افزایش پیدا می‌کند، انتقالات به اعضای کم‌تر برخوردار، افزایش می‌یابد. در این مورد می‌توان به مطالعات بکر^۱ (۱۹۸۱)، آگری^۲ و همکاران (۱۹۹۸)، کوهلی (۱۹۹۹)، آلبوکرکی (۲۰۱۴)، بیانچی و همکاران (۲۰۰۷)، آلبرتینی و رادل (۲۰۱۳)، شنک و همکاران (۲۰۱۰)، کوهلی و کیونموند (۲۰۰۳)، لئوپولد و اشنایدر (۲۰۱۰)، مورازیا (۲۰۱۴a) کوهلی و آلبرتینی (۲۰۰۶)، استارک^۳ و ژنگ^۴ (۲۰۰۰)، کیونموند و همکاران (۲۰۰۵) لیتوین و همکاران (۲۰۰۸)، آلبرتینی و همکاران (۲۰۰۷) و کاراگیاناکي (۲۰۱۱) اشاره کرد.

تویبو^۵ (۲۰۱۲) نشان داد آن چه انتقال داده می‌شود، می‌تواند به عنوان نوعی سیستم تأمین اجتماعی خصوصی در نظر گرفته شود که در آن افراد برای برداشت در زمان نیاز پس‌انداز می‌کنند. مورازیا (۲۰۱۴b) تبیین‌های مبتنی بر جبران متقابل را به عنوان جایگزین اصلی هم‌نوع‌دوستی یا تبیین نیازمحور انتقالات معرفی کرده است و شنک و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند علاوه بر هم‌نوع‌دوستی والدین عامل دیگری که مهم‌ترین سهم را در تبیین انتقالات بین‌نسلی دارد، انتظار جبران انتقالات در آینده است. نتایج مطالعه‌ی کاکس و رنک (۱۹۹۲) کاکس و همکاران (۱۹۹۵)، کاکس و همکاران (۱۹۹۶) و آلتونجی^۶ و همکاران (۱۹۹۷) انگیزه‌ی هم‌نوع‌دوستانه در انجام انتقالات را مورد تردید قرار دادند و نشان دادند که الگوی تجربی انتقالات بین نسلی به دلیل رابطه‌ی مثبت مقدار انتقالات بین افراد خانواده با درآمد افراد، با ایده‌ی مبادله سازگارتر است تا هم‌نوع‌دوستی. کاراگیاناکي (۲۰۱۱)، آروندل^۷ و میسن^۸ (۲۰۰۲)، لئوپولد و اشنایدر (۲۰۱۰) و آگری و همکاران (۱۹۹۸) نیز در کنار هم‌نوع‌دوستی بر انگیزه‌ی جبران و مبادله تأکید می‌کنند. آروندل و میسن (۲۰۰۱) و مورازیا (۲۰۱۴b) جبران غیرمستقیم را مبادله در بین چند نسل (سه یا بیش‌تر) می‌داند که مستلزم برخی سطوح هم‌نوع‌دوستی برای تداوم ارزش‌های مبادله بین نسل‌ها است. سیلورستین^۹ و همکاران (۲۰۰۲) نیز با تأکید بر همبستگی بین نسلی، بر نقش جبران به‌تعمیق‌افتاده در انجام انتقالات و بازپرداخت انتقالات گذشته‌ی والدین به فرزندان تأکید کردند.

¹ Gary S Becker

² Emily M. Agree

³ Oded Stark

⁴ Junsen Zhang

⁵ Constanza Soler Tobío

⁶ Joseph G. Altonji

⁷ Luc Arrondel

⁸ André Masson

⁹ Merril Silverstein

چارچوب نظری پژوهش

دانشمندان علوم اجتماعی مجموعه‌ی متنوعی از گونه‌شناسی انگیزه‌های انتقال‌ها بین نسلی را با هدف درک تفاوت‌های انتقال‌ها بین نسلی توسعه داده‌اند. انگیزه‌های هم‌نوع‌دوستی^۱ و مبادله^۲ یا جبران متقابل^۳ دو رهیافت نظری مسلط در تبیین رفتار و انگیزه‌ی زمینه‌ای انتقال‌ها بین نسل‌ها در درون خانواده‌ها هستند (شولز^۴ و همکاران، ۲۰۱۴؛ موراویا، ۲۰۱۴b؛ نورتون و همکاران، ۲۰۱۳؛ آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲؛ کاراگیاناکس، ۲۰۱۱؛ بیانچی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آگری و همکاران، ۱۹۹۸؛ آلتونجی و همکاران، ۱۹۹۷؛ کاکس و همکاران، ۱۹۹۶؛ کاکس و یاکوبسن^۵، ۱۹۹۵ و کاکس و رنک، ۱۹۹۲). کوهلی (۱۹۹۹) ایده‌ی مبادله یا جبران متقابل را تکمیل‌کننده‌ی مفهوم نظری هم‌نوع‌دوستی معرفی کرده است. البته در تمامی نظریات مطرح‌شده در مورد انتقال‌ها بین نسلی و مبتنی بر حساب‌های ملی، انتقال‌ها نیازها و منابع قابل انتقال و نیازهای افراد در مراحل مختلف چرخه‌ی عمر اقتصادی، تعیین‌کننده‌ی اصلی انتقال‌ها هستند. منابع قابل انتقال پرداخت‌کنندگان که با میزان دارایی و درآمد افراد مرتبط است، عاملی تعیین‌کننده در جریان انتقال‌ها بین نسل‌های مختلف قلمداد می‌شود و انگیزه‌های انتقال‌ها به عنوان تشدیدکننده‌ی این نوع انتقال‌ها، مطرح هستند.

در نظریه‌ی هم‌نوع‌دوستی، انتقال‌ها از طریق حس وظیفه یا تعهد اخلاقی نسبت به فراهم‌ساختن کمک به افراد دیگر و متعاقباً به واسطه‌ی خیرخواهی انتقال‌دهنده نسبت به دریافت‌کننده تحریک می‌شوند (آلبرتینی و رادل، ۲۰۱۲: ۱۰۸). از نظر بکر (۱۹۷۴) در مدل هم‌نوع‌دوستی، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده این است که انتقال‌ها، رابطه‌ی منفی با درآمد دریافت‌کنندگان و رابطه‌ی مثبتی با درآمد پرداخت‌کنندگان دارد. بنابراین فرزندان فقیرتر که دارای منابع کم‌تری هستند، از والدین خود انتقال‌ها بیش‌تری نسبت به فرزندان دارای درآمد و رفاه بالاتر دریافت خواهند کرد. در این مدل خانواده از طریق والدین سطح مصرف اعضا را به عنوان تابعی از درآمد کل خانواده تعیین می‌کند. در مورد انتقال‌ها رو به بالا در نظریه‌های هم‌نوع‌دوستانه،

¹ Altruism

² Exchange

³ Reciprocity

⁴ John Karl Scholz

⁵ George Jakubson

فرزندان به دلیل این که مراقب رفاه والدین خود هستند، انتقالات مالی برای آن‌ها انجام می‌دهند (مارتین^۱ و پرستون^۲، ۱۹۹۴: ۱۳۰).

شوق به بخشیدن^۳ یا هم‌نوع‌دوستی ناخالص^۴ نیز که توسط آندرونی^۵ (۱۹۹۰) مطرح شده است، مدل دیگر مرتبط با هم‌نوع‌دوستی است. این مدل علاوه بر رفاه فرزندان، انجام انتقالات برای والدین را دارای ارزش ذاتی می‌داند و از طریق میل شدید انتقال‌دهندگان به بخشیدن یا همان لذت بخشش^۶ افزایش می‌یابد (لئوپولد و اشنایدر، ۲۰۱۰: ۷؛ کوهلی و کیونموند، ۲۰۰۳؛ مارتین و پرستون، ۱۹۹۴). در این مدل رفتار افراد برخی اوقات از طریق میل به کسب پرستیژ، احترام، رفتار دوستانه‌ی دیگران و سایر انگیزه‌های روان‌شناختی برانگیخته می‌شود.

در مدل‌های مبادله که از نظریه‌ی انتخاب عقلانی منشعب شده، عموماً افراد، درگیر کنش‌هایی می‌شوند که پاداش‌های شخصی را به حداکثر و هزینه‌های شخصی را به حداقل برساند (بکر، ۱۹۷۴). نظریه‌ی مبادله به دو گروه عمده‌ی مبادله‌ی اجتماعی و مبادله‌ی اقتصادی تقسیم می‌شود. مبادله‌ی اقتصادی از دیدگاه محدود به مسئله می‌نگرد و شکلی از پرداخت برای خدمات است که متضمن انتقالات هم‌ارزش و هم‌زمان متقابل برای طرف‌های انتقالات است. مبادله‌ی اجتماعی از دیدگاه گسترده‌تری به انتقالات می‌نگرد و به بازپرداختی که بدون توجه به ارزش متناسب، می‌تواند با تأخیر زمانی رخ دهد و به طرف سوم منتقل شود گفته می‌شود (مورازیا، ۲۰۱۴b؛ توبیو، ۲۰۱۲).

جبران متقابل به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با مبادله‌ی اجتماعی در بین نسل‌های خانواده، نشان‌گر تعهدی برای حمایت و مراقبت از کودکان و سالمندان با انتظار مورد مراقبت قرارگرفتن در دوران سال‌خوردگی است (توبیو، ۲۰۱۲: ۸۵۴؛ کوهلی، ۱۹۹۹: ۸۲). از نظر آرونلد و میسن (۲۰۰۲) جبران متقابل، محصول تعهد درونی به پرداخت، دریافت و بازپرداخت است که از طریق هنجارهای اجتماعی، گروهی و فردی یا فشار اجتماعی برانگیخته می‌شوند و از این جهت متفاوت از مبادله‌ی مبتنی بر بازار است. در جبران متقابل، والدین، تأمین مالی تحصیل فرزندان یا وعده‌ی ارث را با حمایت‌شدن توسط فرزندان در دوران سال‌خوردگی مبادله می‌کنند. آرونلد و میسن (۲۰۰۲) جبران غیر مستقیم را جای‌گزینی برای مدل‌های هم‌نوع‌دوستی و مبادله پیشنهاد

¹ Linda G. M

² Samuel H. Preston

³ Warm Glow for Giving

⁴ Impure Altruism

⁵ James Andreoni

⁶ Joy of Giving

می‌دهند. این نظریه به عنوان شکلی از نظریه‌ی عمومی جبران متقابل مطرح می‌شود که با در نظرگرفتن چهار نسل (سه نسل بزرگسال) و یک چرخه‌ی عمر چهاردوره‌ای در خانواده (کودکی، سال‌خوردگی، اوایل دوره‌ی فعالیت و دوره‌ی تکامل فعالیت) که ویژگی‌های انتقالات در آن‌ها متفاوت‌اند، عملیاتی می‌شود.

از جمله دیگر نظریه‌های مطرح‌شده در مورد روابط بین‌نسلی، نظریه‌ی همبستگی بین نسلی بنگستون و رابرت^۱ است (بنگستون و رابرت، ۱۹۹۱؛ بنگستون و اوایما^۲، ۲۰۰۷؛ نوک^۳ و استینباخ^۴، ۲۰۰۹: ۳) که در آن انتقالات به عنوان نماد نزدیکی و صمیمیت بین اعضای خانواده و ابزاری برای پیوند بین نسل‌ها عمل می‌کند (کلارک^۵ و کنی^۶، ۲۰۱۰). ابعاد همبستگی بین نسلی بنگستون در دو حوزه‌ی همبستگی بین نسلی پنهان و آشکار قرار می‌گیرد. عوامل شناختی - عاطفی مانند احساس تعهد هنجاری، نزدیکی عاطفی و توافق در ارزش‌ها، معرف همبستگی بین‌نسلی پنهان است که تمایل اعضای خانواده به نزدیک شدن به هم را افزایش می‌دهد. همبستگی آشکار، معرف جنبه‌های کارکردی زندگی خانوادگی مانند مبادله‌ی عواطف و حمایت‌های ابزاری و مادی است (سیلورستین و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیلورستین و بنگستون، ۱۹۹۷).

فرضیات این مطالعه با توجه به مطالعات پیشین، مفاهیم و نظریه‌های مطرح‌شده به شرح ذیل خواهد بود:

- بین سطح منابع قابل‌انتقال (درآمد و دارایی) پرداخت‌کنندگان انتقالات و میزان پرداخت‌شده رابطه‌ی مثبت برقرار است. هرچه میزان درآمد بالاتر باشد، انتقالات بیش‌تری انجام خواهد شد.
- بین سطح نیازهای دریافت‌کنندگان و میزان انتقالات دریافت‌شده، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد و مقدار انتقالات در نتیجه‌ی افزایش نیازهای دریافت‌کنندگان افزایش می‌یابد.
- فرزندان غیرهم‌سکنا با والدین، انتقالات کم‌تری از والدین دریافت و انتقالات بیش‌تری پرداخت می‌کنند.

¹ Robert E. L Roberts

² Petrice S. Oyama

³ Bernhard Nauck

⁴ Anja Steinbach

⁵ Shelley Clark

⁶ Catherine Kenney

- انتقالات عمومی از یک سو انتقالات والدین به فرزندان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر انتقالات دریافت‌شده را از فرزندان کاهش می‌دهد.
- انتقالات بین نسلی بر اساس ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مانند سن، جنسیت، تعداد فرزند، سطح تحصیلات و وضع فعالیت متغیر است.
- انتقالات بین والدین و فرزندان با انگیزه‌ی هم‌نوع‌دوستی سازگارتر از انگیزه‌ی جبران است.

روش پژوهش

روش مطالعه‌ی حاضر پیمایشی از نوع میدانی است و خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران که دارای فرزند ۱۸ ساله و بیش‌تر هستند، جامعه‌ی آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. در سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد کل خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر شهر تهران برابر با ۷۵۱۱۳۱ خانوار بوده است. مبتنی بر تعداد خانوارهای دارای سرپرست ۵۰ ساله و بیش‌تر مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران، تعداد نمونه‌ی برآوردشده برابر با ۳۸۵ خانوار است. بر اساس نمونه‌گیری از حوزه‌ها و بلوک‌های آماری شهر تهران، ۱۳ منطقه و ۲۸ بلوک به صورت تصادفی در نمونه قرار گرفته‌اند و تعداد نمونه در هر منطقه بر اساس سهم هر منطقه مشخص شده است. روش نمونه‌گیری در این مطالعه روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای مبتنی بر سهم است. برای افزایش فراوانی در سلول‌های جداول آماری، بالا بردن دقت مطالعه و دستیابی به نتایج معتبرتر، سعی شده است به صورت متناسب و سهمیه‌ای تعداد بیش‌تری پرسش‌نامه از هر حوزه و بلوک آماری تکمیل شود که در مجموع پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده‌ی درست را به ۶۸۱ پرسش‌نامه رسانده است.

واحد مطالعه‌ی سرپرستان خانوار ۵۰ ساله و بیش‌تر و فرزندان بزرگ‌سال ۱۸ ساله و بیش‌تر آنان است و اطلاعات موردنیاز از والدین(سرپرست خانوار) جمع‌آوری شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه و تکنیک مصاحبه استفاده شده است و مبنای اندازه‌گیری انتقالات، پرسش‌هایی است که در فرم اندازه‌گیری هزینه - درآمد خانوار به کار رفته‌اند و در موارد خاص مانند روابط بین نسلی از پرسش‌نامه‌های استاندارد و با رعایت فرآیندهای اندازه‌گیری استفاده شده است. پرسش‌نامه‌ی مورد نظر از نظر شاخص‌های اعتبار و روایی مورد آزمون قرار گرفت و پس از تأیید و به‌دست‌آمدن نتایج مناسب، مورد استفاده قرار گرفته است.

مهم‌ترین متغیرهای اندازه‌گیری شده که برای والدین و فرزندان به طور جداگانه مورد سنجش قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: میزان انتقالات والدین و فرزندان به یکدیگر، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی از قبیل سن، جنسیت، وضع تأهل، سطح تحصیلات، وضع فعالیت، ترتیبات زندگی، میزان درآمد، سطح دارایی و... و همچنین شاخص‌های مرتبط با انگیزه‌های زمینه‌ای انتقالات.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعه مشتمل بر الگوی سنی و میزان انتقالات و عوامل مؤثر بر انتقالات بین والدین و فرزندان در سطح زوج‌های والدین و فرزندان است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۶۸۱ پاسخ‌گوی نمونه، ۹۱/۶ درصد در ۱۲ ماه گذشته انتقالاتی به فرزندان خود انجام داده‌اند و ۵۸/۶ درصد انتقالاتی از فرزندان خود دریافت کرده‌اند. در مورد انتقالات مالی بین زوج‌های والدین - فرزندان نیز ۷۸/۴ درصد والدین و ۵۹/۱ درصد فرزندان انتقالاتی به فرزندان و والدین خود انجام داده‌اند. مبادله‌ی منابع مالی بین پاسخ‌گویان و فرزندان (جدول ۱) نشان می‌دهد که انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین به فرزندان، ۷۸ درصد کل انتقالات بین والدین و فرزندان است و ۲۲ درصد مبادلات مالی بین والدین و فرزندان را انتقالات پرداخت‌شده‌ی فرزندان به والدین تشکیل می‌دهد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، انتقالات پرداختی والدین به فرزندان بیش‌تر از دریافتی آن‌هاست و با افزایش سن پاسخ‌گویان کاهش یافته است. حجم انتقالات پرداختی والدین در گروه‌های سنی ۷۰ ساله و بیش‌تر به کم‌ترین مقدار خود رسیده است.

سرانه‌ی انتقالات والدین به فرزندان حاکی از این است که میانگین انتقالات پرداختی هر سرپرست خانوار به فرزندان خود، ماهیانه ۱,۳۶۱ هزار تومان بوده است که با افزایش سن والدین از مبلغ ۱,۴۶۸ هزار تومان در گروه سنی ۵۴-۵۰ به ۴۱۲ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر کاهش یافته است. ملاحظه می‌شود که والدین تا واپسین سال‌های عمر، انتقالاتی به فرزندان انجام می‌دهند، ولی خالص این انتقالات در سال‌های پایانی منفی است و والدین به طور خالص دریافت‌کننده هستند. الگوی سنی انتقالات دریافت‌شده نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵۷,۳۶۰ هزار تومان انتقالات دریافت‌شده، بیش‌ترین مبلغ توسط والدین گروه سنی ۶۹-۶۵ ساله دریافت شده است؛ ولی نگاهی به سرانه‌ی انتقالات دریافت‌شده توسط والدین نشان می‌دهد که انتقالات دریافت‌شده توسط والدین با افزایش سن کاهش یافته است و از ۲۱۶ هزار تومان در گروه سنی

۵۴-۵۰ ساله به ۹۱۵ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر رسیده است. در مجموع الگوی سنی، انتقالات پرداختی والدین به گونه‌ای است که با افزایش سن آن‌ها کاهش می‌یابد و انتقالات دریافت‌شده با افزایش سن والدین افزایش می‌یابد. میانگین انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین ۱,۳۶۱ هزار تومان و انتقالات دریافت‌شده‌ی آن‌ها از فرزندان ۳۷۸ هزار تومان بوده است.

جدول شماره‌ی یک- توزیع پاسخ‌گویان به تفکیک حجم و سرانه‌ی انتقالات پرداخت و دریافت‌شده‌ی والدین (هزار تومان)

والدین از فرزندان		والدین به فرزندان		نوع انتقالات	گروه سنی والدین
میانگین	مبلغ انتقالات	میانگین	مبلغ انتقالات		
۲۱۶	۲۹۰/۴۲	۴۶۸/۱	۷۸۰/۲۸۷		۵۰-۵۴
۲۷۳	۹۱۰/۴۵	۵۹۴/۱	۸۷۰/۲۶۷		۵۵-۵۹
۳۸۱	۳۵۰/۴۸	۶۱۰/۱	۴۵۰/۲۰۴		۶۰-۶۴
۶۱۴	۶۶۰/۷۰	۰۵۴/۱	۲۰۰/۱۲۱		۶۵-۶۹
۶۵۰	۹۵۰/۲۷	۶۸۷	۵۵۰/۲۹		۷۰-۷۴
۵۴۲	۳۰۰/۱۰	۵۷۶	۹۵۰/۱۰		۷۵-۷۹
۹۱۵	۹۰۰/۱۱	۴۱۲	۳۵۰/۵		۸۰+
۳۷۸	۳۶۰/۲۵۷	۳۶۱/۱	۱۵۰/۹۲۷		جمع

جدول (۲) مبادلات مالی بین والدین و تک‌تک فرزندان و هر یک از فرزندان به والدین را به تفکیک گروه سنی والدین نشان می‌دهد. هر یک از والدین با فرزند یک زوج تشکیل می‌دهند و والدینی که بیش از یک فرزند ۱۸ ساله و بیش‌تر داشته‌اند، به تعداد فرزندان زوج تشکیل می‌دهند. سرانه‌ی انتقالات والدین به هر فرزند در جامعه‌ی مورد مطالعه برابر با ۶۰۵ هزار تومان برای هر فرزند بوده است. سرانه‌ی انتقالات پرداخت‌شده به هر فرزند در گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله رقمی برابر با ۸۵۶ هزار تومان بوده است که با افزایش سن پاسخ‌گویان کاهش می‌یابد و به ۱۱۱ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش‌تر می‌رسد. اطلاعات جمع‌آوری‌شده همچنین نشان می‌دهد که سرانه‌ی انتقالات دریافت‌شده از هر فرزند در جامعه‌ی آماری برابر با ۱۶۸ هزار تومان بوده است. میانگین انتقالات دریافت‌شده توسط والدین از هر فرزند با افزایش سن پاسخ‌گویان افزایش یافته

است و از ۱۲۶ هزار تومان در گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله به ۲۴۸ هزار تومان در گروه سنی ۸۰ ساله و بیش تر رسیده است.

جدول شماره‌ی دو- انتقالات بین زوج والدین - فرزندان به تفکیک گروه سنی والدین در سطح زوج(ها) هزار تومان)

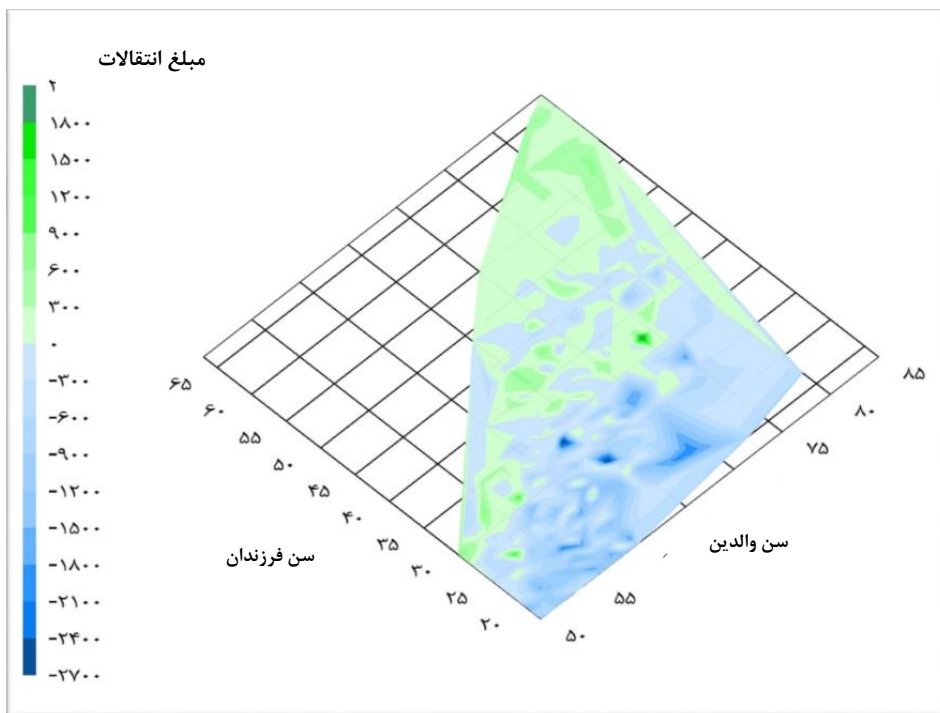
فرزند به والدین		والدین به فرزند		نوع انتقالات	گروه سنی
میانگین	مبلغ انتقالات	میانگین	مبلغ انتقالات		
۱۲۶	۲۹۰/۴۲	۸۵۶	۷۸۰/۲۸۷	۵۰-۵۴	
۱۳۹	۹۱۰/۴۵	۸۰۹	۸۷۰/۲۶۷	۵۵-۵۹	
۱۵۹	۳۵۰/۴۸	۶۷۰	۴۵۰/۲۰۴	۶۰-۶۴	
۲۲۶	۶۶۰/۷۰	۳۸۷	۲۰۰/۱۲۱	۶۵-۶۹	
۲۰۷	۹۵۰/۲۷	۲۱۹	۵۵۰/۲۹	۷۰-۷۴	
۱۶۱	۳۰۰/۱۰	۱۷۱	۹۵۰/۱۰	۷۵-۷۹	
۲۴۸	۹۰۰/۱۱	۱۱۱	۳۵۰/۵	۸۰+	
۱۶۸	۳۶۰/۲۵۷	۶۰۵	۱۵۰/۹۲۷	جمع	

ماتریس خالص انتقالات والدین به فرزندان (جدول ۳ و نمودار ۱) که از تفاضل ماتریس انتقالات والدین به فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین حاصل شده است، نشان می‌دهد که والدین به طور خالص ۴۳۷ هزار تومان صرف انتقالات به فرزندان می‌کنند. ماتریس به دست آمده نشان می‌دهد که بین گروه‌های سنی مختلف والدین و فرزندان، بیشترین خالص انتقالات بین والدین و فرزندان از والدین گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله به فرزندان گروه سنی ۱۹-۱۸ ساله جریان دارد (۱,۳۷۷ تومان). سرانه‌ی انتقالات والدین به فرزندان تا گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله‌ی فرزندان به نفع فرزندان است و از این گروه سنی به بعد، این والدین هستند که به صورت خالص دریافت کننده‌ی انتقالات هستند. گروه‌های سنی ۱۹-۱۸ ساله، ۲۴-۲۰ ساله، ۲۹-۲۵ ساله، ۳۴-۳۰ و ۳۹-۳۵ ساله به طور خالص ۹۴۵، ۸۳۸، ۶۳۳، ۳۱۲ و ۳۲ هزار تومان از والدین خود دریافت کرده‌اند و گروه‌های سنی ۴۴-۴۰ ساله و ۴۵ ساله و بیش تر به طور خالص ۹۳ و ۶۶ هزار تومان به والدین خود پرداخت کرده‌اند.

در نمودار(۱) در نقاط آبی، والدین به طور خالص پرداخت‌کننده، در نقاط سبز، والدین دریافت‌کننده هستند و نقاط پررنگ‌تر نشان‌گر حجم بیش‌تر انتقالات است. الگوی سنی خالص انتقالات بین والدین و فرزندان نشان می‌دهد که به طور کلی والدین تا سنین بالا پرداخت‌کننده‌ی انتقالات به فرزندان هستند و فرزندان در سنین ۳۵ ساله و بیش‌تر حمایت‌های مالی بیش‌تری از والدین می‌کنند. والدین فارغ از این که در چه سنی باشند از فرزندان جوان‌تر حمایت کرده‌اند و مورد حمایت فرزندان مسن‌تر قرار گرفته‌اند.

جدول شماره‌ی سه- ماتریس خالص سرانه‌ی انتقالات بین والدین و فرزندان(هزار تومان)

گروه سنی فرزندان / گروه سنی والدین	18-19	20-24	25-29	30-34	35-39	40-44	45+	میانگین
۵۰-۵۴	-۹۲۲	-۸۵۷	-۲۵۲	۲۱۰	۰	۰	۰	-۷۳۱
۵۵-۵۹	-۹۶۰	-۸۱۱	-۶۶۰	-۵۷	۱۶۹	۰	۰	-۶۷۱
۶۰-۶۴	-۱/۳۷۷	-۸۳۳	-۸۴۵	-۳۶۴	-۲۱۳	۱۴۲	۲۵۰	-۵۱۲
۶۵-۶۹	۰	-۲/۰۰۰	-۶۲۹	-۳۶۰	-۷۱	۱۹۹	-۵۸	-۱۶۱
۷۰-۷۴	۰	-۳۲۵	-۶۸۸	-۵۵۸	۲۲۹	-۱۲	۳۰	-۱۲
۷۵-۷۹	۰	۰	۰	-۶۰۰	۶۴	-۶۴	۷۶	-۱۰
۸۰+	۰	-۳۲۵	۰	-۱۰۰	-۳۳	۳۱	۲۳۰	۱۳۶
میانگین	-945	-838	-632	-۳۱۲	-۳۲	۹۳	۶۶	-۴۳۷



نمودار شماره‌ی یک- خالص سرانه‌ی انتقال‌ها بین والدین و فرزندان برحسب سن (هزار تومان)

عوامل تعیین کننده‌ی انتقال‌ها بین والدین و کل فرزندان

برای بررسی روابط بین متغیرها، شناخت عوامل تعیین کننده‌ی انتقال‌ها بین والدین و فرزندان و آزمون فرضیه‌های تحقیق، از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. با توجه به ماهیت و اهداف مطالعه، باید مدل‌های جداگانه‌ای برای انتقال‌ها والدین به فرزندان و انتقال‌ها فرزندان به والدین در سطح زوج والدین - فرزند برآورد نماییم.

جدول (۴) ضرایب رگرسیونی عوامل مؤثر بر انتقال‌ها والدین به فرزندان را نشان می‌دهد. با توجه به اهمیت بالای میزان درآمد والدین در انتقال‌ها پرداخت شده به فرزندان، در مدل یک، درآمد والدین به عنوان متغیر مستقل و انتقال‌ها والدین به فرزندان به عنوان متغیر تابع وارد مدل شده است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/418$ است که نشان می‌دهد نزدیک به ۴۲ درصد از تغییرات میزان انتقال‌ها والدین به فرزندان توسط متغیر میزان درآمد زوج والدین تبیین می‌شود. در این مدل یک واحد افزایش در میزان درآمد والدین به میزان انتقال‌ها والدین را به فرزندان به میزان $0/98$ واحد افزایش می‌دهد.

در مدل دوم، متغیرهای جنسیت سرپرست، سن سرپرست، سطح تحصیلات سرپرست، سطح دارایی خانوار، شاغل بودن سرپرست و تعداد فرزندان وارد مدل شده‌اند و ضریب تعیین تعدیل شده را به ۰/۵۰۷ افزایش داده‌اند. ضریب تعیین در مدل دوم با ورود متغیرهای مستقل که بیش‌تر مرتبط با منابع قابل انتقال والدین یا سرپرست خانوار است، به میزان ۹/۲ درصد افزایش یافته است. متغیرهای وارد شده به مدل دوم که به نوعی تعیین‌کننده‌های میزان درآمد نیز هستند، منابع قابل انتقال والدین را افزایش می‌دهند. این مدل نشان می‌دهد سرپرستان خانوار مرد، تحصیل کرده‌ترها، ثروتمندترها و شاغلان، انتقالات بیش‌تری به فرزندان انجام داده‌اند و با افزایش سن و تعداد فرزندان انتقالات به فرزندان کاهش می‌یابد.

در مدل سوم، متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های فرزندان شامل: سن فرزند، جنسیت فرزند، شاغل بودن فرزند، در حال تحصیل بودن فرزند و هم‌سکنایی فرزند با والدین وارد معادله شدند و نشان دادند که ضریب تعیین به میزان ۰/۱۰۷ افزایش یافت و به ۰/۶۱۳ رسید. بنابراین بیش از ۶۱ درصد، تغییرات انتقالات والدین به فرزندان از طریق مجموعه‌ی متغیرهای وارد شده به مدل برآورد شده است.

جدول شماره‌ی چهار- مدل رگرسیونی عوامل تعیین کننده‌ی انتقالات والدین به فرزندان

سطح اعتماد B /۹۵		Sig.	t	ضرایب	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب	متغیرها
بیشترین	کمترین			استاندارد	Std. Error	B		
-0/844	-1/348	0/000	-8/54		0/128	-1/096	مقدار ثابت	مدل 1
1/046	0/915	0/000	29/37	0/647	0/033	0/981	لگاریتم درآمد	
R Square = ۰/۴۱۸ Adjusted R Square = ۰/۴۱۸ Std. Error of the Estimate = ۰/۳۵۰ R Square change = ۰/۴۱۸								
0/729	-0/031	0/072	1/80		0/194	0/349	مقدار ثابت	مدل 2
0/727	0/538	0/000	13/10	0/417	0/048	0/632	لگاریتم درآمد	
0/180	0/067	0/000	4/28	0/098	0/029	0/123	جنسیت سرپرست	
0/000	-0/008	0/035	-2/11	-0/067	0/002	-0/004	سن سرپرست	
0/035	0/007	0/003	۰۰/۳	0/076	0/007	0/021	سطح تحصیلات سرپرست	
0/089	0/038	0/000	4/87	0/141	0/013	0/063	سطح خانوار دارایی	
0/141	0/028	0/004	2/91	0/085	0/029	0/084	شاغل بودن سرپرست	
-0/078	-0/145	0/000	-6/51	-0/180	0/017	-0/112	تعداد فرزندان	
R Square = ۰/۵۱۰ Adjusted R Square = ۰/۵۰۷ Std. Error of the Estimate = ۰/۳۲۲ R Square change = ۰/۰۹۲								
0/089	-0/614	0/143	-1/47		0/179	-0/263	مقدار ثابت	مدل 3
0/777	0/606	0/000	15/85	0/456	0/044	0/692	لگاریتم درآمد	
0/118	0/013	0/014	۷2/4	0/052	0/027	0/066	جنسیت سرپرست	
0/008	-0/001	0/100	۵1/6	0/060	0/002	0/004	سن سرپرست	
0/020	-0/005	0/236	۹1/1	0/027	0/006	0/007	سطح تحصیلات سرپرست	
0/064	0/018	0/000	3/51	0/092	0/012	0/041	سطح خانوار دارایی	
0/119	0/018	0/008	۵2/6	0/069	0/026	0/068	شاغل بودن سرپرست	
-0/064	-0/126	0/000	۸-6/0	-0/154	0/016	-0/095	تعداد فرزند	
0/011	0/002	0/009	2/61	0/116	0/002	0/006	سن فرزند	
0/081	0/007	0/020	2/33	0/048	0/019	0/044	جنسیت فرزند	
-0/291	-0/385	0/000	-13/99	-0/367	0/024	-0/338	شاغل بودن فرزند	
-0/319	-0/472	0/000	-10/10	-0/279	0/039	-0/395	درحال تحصیل- بودن فرزند	
0/174	0/072	0/000	۲4/7	0/133	0/026	0/123	هم‌سکنایی فرزند با والدین	
R Square = ۰/۶۱۷ Adjusted R Square = ۰/۶۱۳ Std. Error of the Estimate = ۰/۲۸۶ R Square change = ۰/۱۰۷								

ادامه جدول (۵) میزان تأثیر تعیین‌کننده‌های جریان انتقالات را از فرزندان به والدین نشان می‌دهد. جدول مشتمل بر دو مدل مجزا است. ضریب تعیین برآوردشده در مدل یک که شامل متغیرهای فرزندان است، نشان می‌دهد نزدیک به ۲۵ درصد از تغییرات متغیر انتقالات فرزندان به والدین توسط سطح درآمد فرزندان، سن، جنسیت، هم‌سکنایی و اشتغال فرزند تبیین شده است. درآمد فرزندان بیش‌ترین تأثیر را بر انتقالات پرداخت‌شده‌ی فرزندان بر والدین دارد.

در مدل دوم، متغیرهای مرتبط با ویژگی‌ها و نیازهای والدین که شامل متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات، درآمد و بازنشسته‌بودن سرپرست است، به مدل یک افزوده شده‌اند. با ورود این متغیرها، ضریب تعیین به مقدار $0/061$ واحد افزایش یافته است و ضریب تعیین تعدیل شده به بیش از ۳۰ درصد رسیده است. به طور خلاصه می‌توان گفت منابع و درآمد فرزندان که متأثر از اشتغال، سن، جنسیت و هم‌سکنایی فرزندان با والدین است و نیازهای والدین که با سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد و بازنشسته‌بودن سرپرست مرتبط است، تعیین‌کننده‌های انتقالات فرزندان به والدین است. همچنین رابطه‌ی مثبت بین انتقالات فرزندان به والدین و درآمد والدین و فرزندان می‌تواند نشان‌دهنده‌ی انتقالات فرزندان به والدین با انگیزه‌ی جبران انتقالات پیشین والدین به فرزندان باشد. والدین دارای درآمد بالاتر، انتقالات بیش‌تری نیز دریافت می‌کنند که نشان می‌دهد نیاز والدین تأثیر کم‌تری دارد و فرزندان برای جبران حمایت‌های والدین خود از آن‌ها حمایت می‌کنند. بنابراین انگیزه‌ی مسلط در انتقالات والدین به فرزندان، هم‌نوع‌دوستی والدین نسبت به فرزندان است و در انتقالات فرزندان به والدین انگیزه‌ی جبران تأثیر بیش‌تری دارد.

جدول شماره‌ی پنج- مدل رگرسیونی عوامل تعیین کننده‌ی انتقالات فرزندان به والدین

سطح اعتماد ۹۵٪ B		Sig.	t	ضرایب	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب	متغیرها
بیشترین	کمترین			استاندارد	Beta	Std. Error		
2/143	1/902	0/000	32/985		0/061	2/023	مقدار ثابت	۱
0/126	0/078	0/000	8/255	0/439	0/012	0/102	سطح درآمد فرزند	
0/004	-0/002	0/376	0/887	0/040	0/001	0/001	سن فرزند	
0/047	-0/044	0/959	0/052	0/002	0/023	0/001	جنسیت فرزند	
0/215	0/105	0/000	5/724	0/251	0/028	0/160	هم‌سکنایی	
0/126	-0/039	0/298	1/042	0/058	0/042	0/044	شاغل بودن فرزند	
R Square = 0/25 Adjusted R Square =0/245 Std. Error of the Estimate =0/269 R Square change =0/25								
1/913	1/192	0/000	8/444		0/184	1/552	مقدار ثابت	۲
0/104	0/054	0/000	6/196	0/342	0/013	0/079	سطح درآمد فرزند	
0/011	0/003	0/002	3/135	0/214	0/002	0/007	سن فرزند	
0/065	-0/023	0/351	0/934	0/034	0/023	0/021	جنسیت فرزند	
0/238	0/130	0/000	6/685	0/289	0/028	0/184	هم‌سکنایی	
0/143	-0/020	0/140	1/476	0/081	0/042	0/062	شاغل بودن فرزند	
-0/114	-0/218	0/000	-6/229	-0/225	0/027	-0/166	جنسیت سرپرست	
0/000	-0/009	0/045	-2/011	-0/123	0/002	-0/005	سن سرپرست	
0/035	0/004	0/012	2/513	0/099	0/008	0/020	سطح تحصیل سرپرست	
0/243	0/094	0/000	4/456	0/175	0/038	0/169	درآمد والدین	
0/177	0/070	0/000	4/533	0/179	0/027	0/123	بازنشسته بودن سرپرست	
R Square = 0/311 Adjusted R Square =0/301 Std. Error of the Estimate =0/259 R Square change =0/061								

نتیجه گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۷۸/۴ درصد از فرزندان مورد حمایت مالی والدین قرار گرفته‌اند و حدود ۵۲ درصد از آن‌ها به والدین خود کمک مالی کرده‌اند. همچنین ۷۸ درصد منابع مالی مبادله شده بین والدین و فرزندان، مربوط به انتقالات پرداخت شده‌ی والدین به فرزندان و ۲۲ درصد مربوط به انتقالات پرداخت شده‌ی فرزندان به والدین بوده است. هر فرزند به طور متوسط

ماه‌یانه ۶۰۵ هزار تومان از والدین خود دریافت و ۱۶۸ هزار تومان پرداخت کرده است. الگوی سنی انتقالات نشان می‌دهد انتقالات پرداخت‌شده‌ی والدین با افزایش سن والدین کاهش و انتقالات دریافت‌شده افزایش می‌یابد. سرانه‌ی انتقالات بین خانوار والدین و فرزندان نشان می‌دهد هر یک از والدین، ماه‌یانه ۳۳۳ هزار تومان صرف انتقالات به خانوار هر یک از فرزندان خود کرده‌اند و ماه‌یانه ۱۸۹ هزار تومان دریافت کرده‌اند.

روابط بین عوامل تأثیرگذار بر انتقالات والدین به فرزندان و بالعکس نشان می‌دهد میزان درآمد که معرف منابع قابل انتقال والدین و فرزندان است، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر حجم انتقالات بین والدین و فرزندان است. درآمد والدین تحت تأثیر جنسیت، سن، سطح دارایی، اشتغال و سطح تحصیلات است و تعداد فرزندان به دلیل این که والدین باید منابع خود را بین تعداد فرزندان بیش‌تر تقسیم کنند، منابع والدین را کاهش می‌دهد. این متغیرها به عنوان تعیین‌کننده‌های میزان درآمد و منابع قابل انتقال والدین، با میزان انتقالات والدین به فرزندان رابطه‌ی معنی‌داری دارند. با توجه به روابط موجود، می‌توان گفت که فرضیه‌ی رابطه‌ی بین سطح درآمد و منابع پرداخت‌کنندگان انتقالات و میزان انتقالات والدین به فرزندان تأیید می‌شود.

نتایج مطالعه همچنین نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین سن، جنسیت، اشتغال، در حال تحصیل بودن و هم‌سکنایی فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین وجود دارد. فرزندان سنین بالاتر به دلیل این که باید هزینه‌های زندگی مستقل خود را تأمین کنند، غیر شاغل‌ها به دلیل عدم دسترسی به درآمد و کسانی که در حال تحصیل نیستند، به دلیل الزام به تأمین هزینه‌های خانوار تحت سرپرستی خود، نیاز بیش‌تری دارند و انتقالات بیش‌تری از والدین خود دریافت کرده‌اند. بنابراین شواهد نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین نیازهای فرزندان و میزان انتقالات دریافت‌شده‌ی فرزندان از والدین قابل مشاهده است. فرزندان پسر به دلیل ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و به این دلیل که پس از جدایی از والدین نیز برخی نیازهایشان توسط والدین تأمین می‌شود، انتقالات بیش‌تری از والدین خود دریافت می‌کنند. فرزندان هم‌سکنا نیز به دلیل اشتغال و درآمد پایین‌تر، نیازهای بیش‌تر و همبستگی بین نسلی بالاتر انتقالات بیش‌تری دریافت می‌کنند و فرض رابطه‌ی بین هم‌سکنایی و میزان انتقالات دریافت‌شده تأیید می‌شود.

روابط بین متغیرها در مدل انتقالات فرزندان به والدین نشان می‌دهد که بین درآمد یا منابع قابل انتقال فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. هرچه درآمد فرزندان که در ارتباط با سن و اشتغال و جنسیت آن‌هاست بیش‌تر باشد، انتقالات به والدین

نیز افزایش می‌یابد. هرچند که این متغیرها به‌طور مستقیم رابطه‌ی معنی‌داری با میزان انتقال‌ها فرزندان ندارد ولی دارای واریانس مشترک با میزان درآمد فرزندان هستند. فرزندان هم‌سکنا انتقال‌ها بیش‌تری به والدین انجام داده‌اند که نشان‌گر منابع قابل انتقال بیش‌تر فرزندان شاغل هم‌سکنا و تمایل آن‌ها به جبران هم‌سکنایی با والدین در سنین بالاتر والدین و فرزندان از طریق حمایت بیش‌تر از والدین است.

رابطه‌ی بین ویژگی‌های والدین و انتقال‌ها دریافت‌شده از فرزندان نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار جوان‌ترها، تحصیل‌کرده‌ترها، پردرآمدها و بازنشسته‌ها انتقال‌ها بیش‌تری دریافت کرده‌اند. جنسیت سرپرست خانوار و بازنشسته‌بودن والدین، نیازهای آن‌ها را نشان می‌دهد و جوان‌تر بودن، تحصیل‌کرده‌تر بودن و پردرآمد بودن به این دلیل میزان انتقال‌ها فرزندان را افزایش می‌دهد که فرزندان انتقال‌ها را با انگیزه‌های جبرانی و با انتظار دریافت ارث در آینده انجام می‌دهند. والدین جوان‌تر، تحصیل‌کرده‌تر و پردرآمد نیازهای کم‌تری دارند؛ لذا انتظار نمی‌رود که نیازهای آن‌ها برانگیزاننده‌ی انتقال‌ها باشد.

یافته‌های تحقیق در مورد رابطه‌ی بین جنسیت و انتقال‌ها نشان داد که مردان، بیش‌تر از زنان به فرزندان پسر خود کمک می‌کنند؛ ولی جنسیت فرزندان رابطه‌ی مستقیم معنی‌داری با انتقال‌ها ندارد و از طریق افزایش درآمد و منابع بر انتقال‌ها به فرزندان تأثیر داشته است؛ همچنین سرپرستان زن، انتقال‌ها بیش‌تری دریافت می‌کنند. البته جنسیت به‌خودی‌خود نمی‌تواند بر انتقال‌ها تأثیرگذار باشد و به واسطه‌ی ویژگی‌های فرهنگی مرتبط با نابرابری جنسیتی و تأثیر آن بر منابع قابل انتقال و درآمد اهمیت پیدا می‌کند. جمع‌بندی رابطه‌ی بین سن و حجم انتقال‌ها نشان می‌دهد که والدین سنین بالاتر به دلیل منابع و درآمد محدودتر انتقال‌ها کم‌تری پرداخت کرده‌اند و در سنین بالاتر به دلیل نیاز بیش‌تر، انتقال‌ها بیش‌تری نیز دریافت کرده‌اند. سن فرزندان نیز عامل مهمی در تبیین و پیش‌بینی میزان انتقال‌ها فرزندان به والدین بوده است. با افزایش سن فرزندان، به دلیل اشتغال، درآمد و منابع بیش‌تر فرزندان و سن و نیاز بیش‌تر والدین، انتقال‌ها پرداخت‌شده‌ی آن‌ها به والدین افزایش می‌یابد؛ ولی والدین جوان‌تر که دارای اشتغال بیش‌تر و درآمد بالاتری هستند، انتقال‌ها بیش‌تری نیز دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد نیازهای آن‌ها در این مورد تأثیری نداشته است و انگیزه‌ی جبران انتقال‌ها در میان است.

رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و میزان انتقال‌ها بین والدین و فرزندان نشان می‌دهد والدینی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، انتقال‌ها بیش‌تری به فرزندان انجام می‌دهند و انتقال‌ها بیش‌تری

نیز دریافت می‌کنند. والدین دارای تحصیلات بالاتر، دارای منابع بیش‌تری هستند، به دلیل اهمیت بیش‌تر سرمایه‌ی انسانی فرزندان، سرمایه‌گذاری بیش‌تری روی آن‌ها انجام می‌دهند و احتمالاً به این دلیل که در گذشته سرمایه‌گذاری بیش‌تری روی فرزندان خود انجام داده‌اند، انتقالات بیش‌تری نیز از آن‌ها دریافت می‌کنند. رابطه‌ی معنی‌دار بین سطح تحصیلات فرزندان و انتقالات فرزندان به والدین منعکس‌کننده‌ی انگیزه‌ی جبران در انتقالات فرزندان به والدین است و فرزندان تحصیل‌کرده‌تر برای جبران هزینه‌هایی که والدین صرف تحصیلات آن‌ها کرده‌اند، کمک‌های بیش‌تری به والدین انجام می‌دهند.

در حال تحصیل بودن فرزندان، میزان انتقالات والدین به فرزندان را کاهش داده است که نشان می‌دهد فرزندان در حال تحصیل در مقایسه با فرزندانی که دوره‌ی تحصیل را طی کرده‌اند و در مراحل دیگری از چرخه‌ی عمر هستند، انتقالات و حمایت‌های بیش‌تری از والدین دریافت می‌کنند. به نظر می‌رسد که هزینه‌های صرف‌شده برای اشتغال و سایر نیازهای فرزندان بعد از فراغت از تحصیل، خیلی بالاتر از هزینه‌های فرزندان در حال تحصیل است و این امر باعث ایجاد رابطه‌ی منفی بین در حال تحصیل بودن فرزندان و میزان انتقالات دریافت‌شده از والدین شده است. این نیازها می‌تواند در مورد فرزندان غیرهم‌سکنا که درگیر با تأمین هزینه‌های بیش‌تری هستند، پررنگ‌تر باشد.

رابطه‌ی بین بازنشسته‌بودن (انتقالات عمومی) و میزان انتقالات فرزندان به والدین نشان می‌دهد که با توجه به ضعف نظام بازنشستگی و پایین بودن میزان درآمد بازنشستگی در ایران، بازنشستگان برای تأمین هزینه‌های زندگی انتقالات بیش‌تری از فرزندان دریافت می‌کنند. این یافته، فرضیه‌ی افزایش میزان انتقالات دریافت‌شده‌ی والدین بازنشسته را به دلیل ضعف انتقالات عمومی و مستمری بازنشستگی تأیید می‌کند.

از لحاظ انگیزه‌ی انجام انتقالات، در انتقالات والدین به فرزندان، هم‌نوع‌دوستی، انگیزه‌ی مسلط است که از طریق هم‌نوع‌دوستی والدین و احساس وظیفه و تعهد هنجاری تقویت می‌شود؛ ولی انگیزه‌ی انجام انتقالات در انتقالات فرزندان به والدین اندکی متفاوت‌تر است. در انتقالات فرزندان به والدین برخی سطوح انگیزه‌های جبرانی نیز قابل مشاهده است. بنابراین از جبران انتقالات در کنار هم‌نوع‌دوستی فرزندان می‌توان به عنوان انگیزه‌ی تکمیلی انجام انتقالات از فرزندان به والدین یاد کرد. در مجموع فرزندان به نوعی برای جبران انتقالات والدین به آن‌ها کمک می‌کنند و خود را

متعهد به رفع نیازهای والدین خود می‌دانند؛ ولی والدین در هر شرایطی از فرزندان خود حمایت و به آنها کمک می‌کنند.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳) *خانواده ایرانی*، تهران: نشر علم.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵) *تغییرات، چالش‌ها و آینده‌ی خانواده ایرانی*، تهران: انتشارات تیسرا.
۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰) مرکز آمار ایران.
4. Agree, Emily M, Ann M. Biddlecom, Ming-Chang Chang and Aurora E. Perez (1998), *Generalized Exchange and Intergenerational Transfers in Taiwanese and Filipino Families*, Hopkins Population Center Papers on Population, WP 98-06.
5. Albertini Marco and Jonas Radl (2012), *Intergenerational transfers and social class: Inter-vivos transfers as means of status reproduction?* Acta Sociologica, No. 55(2), Pages 107–123, DOI: 10.1177/0001699311431596.
6. Albertini, Marco, Martin Kohli and Claudia Vogel (2007), *Intergenerational transfers of time and money in European families: common patterns – different regimes?* Journal of European Social Policy, No. 17 (4), Pages 319-334
7. Albuquerque, Paula C. (2014), *The Interaction of Private Intergenerational Transfers Types*, ISEG- Lisboa University and SOCIUS, School of Economics and Management, Department of Economics Working Papers, ISSN 2183-1815, Lisbon.
8. Altonji, Joseph G, Fumio Hayashi and Laurence J. Kotlikof (1997), *Parental Altruism and Inter Vivos Transfers: Theory and Evidence*, Journal of Political Economy, Volume 105, No. 6, Pages 1121-1166.
9. Anderoeni, James (1990), *Impure Altruism and Donations to Public Goods: A Theory of Warm-Glow Giving*, The Economic Journal, Volume 100, Issue 401, Pages 464-477.
10. Arrondel, Luc and André Masson (2002), *Altruism, Exchange or Indirect Reciprocity: What do the Data on Family Transfers Show?* ENS-Delta Working Paper No. 2002-18, Paris.
11. Arrondel, Luc and André Masson (2001), *Family Transfers Involving Three Generations*, The Scandinavian Journal of Economics, Volume 103, No. 3, Pages 415-443.
12. Attias-Donfut, Claudine, Jim Ogg and Francois-Charles Wolff (2005), *European patterns of intergenerational financial and time transfers*, Eur J Ageing, 2, Pages 161–173.
13. Barro R. J. (1974), *Are Government Bonds Net Wealth*, Journal of Political Economy, 82, Pages 1095-1117.
14. Becker, Gary S. (1974), *A Theory of Social Interaction*, Working Paper No. 42, Center for Economic Analysis of Human behavior and Social Institutions, New York.
15. Bengtson, V. L. and Roberts, R. E. L. (1991). *Intergenerational solidarity in aging families: An example of formal theory construction*, Journal of Marriage and the Family, 53, Pages 856–870.
16. Bengtson Vern L. and Petrice S. Oyama (2007), *Intergenerational Solidarity: Strengthening Economic and social Ties*, United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Division for Social Policy and Development, New York.

17. Bianchi, Suzanne M, V. Joseph Hotz, Kathleen McGarry, Judith A. Seltzer (2007), *Intergenerational Ties: Alternative Theories, Empirical Findings and Trends, and Remaining Challenges*, Paper prepared for the 2006 Penn State Symposium on Family Issues, "Caring and Exchange. www.soc.duke.edu/~efc/Docs/.../IntergenerationalTies_tocircuclate17March2007.pdf.
18. Cardia, Emaunela and Serena Ng (2003), *Intergenerational Time Transfers and Children*, Review of Economic Dynamics, No. 6, PagesP 431-454, www.elsevier.com/locate/red.
19. Clark, Shelley and Catherine Kenney (2010), *Is the United States Experiencing a Matrilineal Tilt? Gender, Family Structures and Financial Transfers to Adult Children*, Social Forces, Vol. 88, No. 4, Pages 1753-1776.
20. Cox, Donald and Mark R. Rank (1992), *Inter-Vivos Transfers and Intergenerational Exchange*, The Review of Economics and Statistics, Volume 74, No. 2, Pages 305-314.
21. Cox, Donald and George Jakubson (1995), *The connection between public transfers and private interfamily transfers*, Journal of Public Economics 57, Pages 129-167.
22. Cox, Donald, Zekeriya Eser and Emmanuel Jimenez (1996), *Motives for Private Transfers over the Life Cycle: An Analytical Framework and Evidence for Peru*, Boston College Working Papers in Economics, <http://fmwww.bc.edu/EC-P/wp327.pdf>.
23. Dykstra, Pearl A, Thijs van den Broek, Cornelia Muresan, Mihaela Haragus, Paul-Teodor Haragus, Anita Abramowska-Kmon and Irena E. Kotowska (2013), *Intergenerational linkages in families*, Families and Societies Working Paper Series, A project funded by European Union's Seventh Framework Programme under grant agreement No. 320116.
24. Dykstra, Pearl A. (2010), *Intergenerational Family Relationships in Ageing Societies*, United Nations, New York and Geneva.
25. Hagestad, Gunhild O. and Katharina Herlofson (2005), *Micro and Macro Perspectives on Intergenerational Relations and Transfers in Europe*, United Nations Expert Group Meeting on Social and Economic Implications of Changing Population Age Structures, Mexico City. http://www.un.org/esa/population/meetings/Proceedings_EGM_Mex_2005/hagestad.pdf.
26. Karagiannaki, Eleni (2011), *The Magnitude and Correlates of Inter-vivos Transfers in the UK*, Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics, CASE/151.
27. Kluge, Fanny Annemarie (2009), *Transfers, Consumption and Income over the Lifecycle in Germany*, Max Planck Institute for Demographic Research, Germany.
28. Kohli, Martin (1999), *Private and Public Transfers Between Generations: Linking the Family and the State*, European Societies, No. 1(1), Pages 81-104, Routledge, Berlin.
29. Kohli, Martin and Marco Albertini (2007), *The Generational Contract in the Family: Explaining Regime Differences in Financial Transfers from Parents to Children in Europe*, DemoSoc Working Paper, Paper No. 2007—24.
30. Kohli, Martin and Harald Künemund (2003), *Intergenerational Transfers in the Family: What Motivates Giving?* Published in: Vern L. Bengtson & Ariela Lowenstein (eds.) (2003): *Global Aging and Challenges to Families*. New York. Aldine de Gruyter, Pages 123-142.

31. Kohli, Martin and Marco Albertini (2006), *The impact of welfare and family regimes on transfers between older parents and their adult children*, Paper prepared for the AMANDA Final Conference: Lessons from SHARE Wave 1, 23-25 February 2006, Villa Monastero, Varenna, Italy
32. Künemund, Harald, Andreas Motel-Klingebiel and Martin Kohli (2005), *Do Intergenerational Transfers From Elderly Parents Increase Social Inequality Among Their Middle-Aged Children? Evidence from the German Aging Survey*, Journal of Gerontology: Social Sciences, Volume 60B, No. 1, Pages S30–S36.
33. Lee, Ronald (2012), *Intergenerational Transfers, the Biological Life Cycle, and Human Society*, Population and Development Review, Vol. 38, Pages 23-35.
34. Lee, Ronald and Andrew Mason (2011), *Population Aging and the Generational Economy A Global Perspective*, Edward Elgar International Development Research Centre, Cheltenham, UK.
35. Leopold, Thomas and Thorsten Schneider (2010), *Family Events and the Timing of Intergenerational Transfers*, SOEPpapers on Multidisciplinary Panel Data Research at DIW Berlin, No. 327, <http://www.diw.de/soeppapers>.
36. Litwin, Howard, Claudia Vogel, Harald Künemund and Martin Kohli (2008), *The balance of intergenerational exchange: correlates of net transfers in Germany and Israel*, Eur J Ageing, No. 5(2), Pages 91–102.
37. Martin, Linda G. and Samuel H. Preston, Editors; Committee on Population, National Research Council (1994), *Demography of Aging*, National Academies Press, <http://www.nap.edu/catalog/4553.html/>
38. Mason, Andrew, Ronald Lee, An-Chi Tung, Mun-Sim Lai and Tim Miller (2006), *Population Aging and Intergenerational Transfers: Introducing Age into National Accounts*, NBER Working Paper Series, Working Paper 12770.
39. Mudrazija, Stipica (2014a), *The balance of intergenerational family transfers: a life-cycle Perspective*, Eur J Ageing, 11, Pages 249–259.
40. Mudrazija, Stipica (2014b), *How Public Policies Affect Intergenerational Family Transfers in Europe*, Presented in Session 168: Intergenerational Support and Caregiving, Population association of America <http://paa2014.princeton.edu/papers/143107>.
41. Nauck, Bernhard and Anja Steinbach (2009), *Intergenerational Relationships*, German Council for Social and Economic Data, Working Paper No. 116, URL: www.ratswd.de.
42. Norton, Edward C, Lauren Hersch Nicholas and Sean Sheng-Hsiu Huang (2013), *Informal Care and Inter-vivos Transfers: Results from the National Longitudinal Survey of Mature Women*, National Bureau of Economic Research, Working Paper 18948, <http://www.nber.org/papers/w18948>
43. Schenk, Niels, Pearl Dykstra and Ineke Maas (2010), *The role of European welfare states in intergenerational money transfers: a micro-level perspective*, Ageing & Society, Pages 1315–1342, Cambridge University Press.
44. Scholz, John Karl, Ananth Seshadri, and Kamil Sicinski (2014), *Long-Run Determinants of Intergenerational Transfers*, Michigan Retirement Research Center, University of Michigan Working Paper WP 2014-312.
45. Silverstein, Merrill and Vern L. Bengtson (1997), *Intergenerational Solidarity and the Structure of Adult Child–Parent Relationships in American Families*, AJS Volume 103, No. 2, Pages 429–60

46. Silverstein, Merrill, Stephen J. Conroy, Haitao Wang, Roseann Giarrusso, and Vern L. Bengtson (2002), *Reciprocity in Parent-Child Relations Over the Adult Life Course*, Journal of Gerontology, Volume 57B, No. 1, Pages S3-S13.
47. Silverstein, Merrill, Daphna Gans, Frances M. Yang (2006), *Intergenerational Support to Aging Parents, The Role of Norms and Needs*, Journal of Family Issues Volume 27, No. 8, Pages 1068-1084
48. Stark, Oded and Junsen Zhang (2000), *Counter-compensatory inter-vivos transfers and parental altruism: Compatibility or orthogonality?* Working Paper, Reihe Ökonomie / Economics Series, Institut für Höhere Studien (IHS), No. 82, <http://hdl.handle.net/10419/70815>
49. Tobío, Constanza Soler (2012), *Reciprocity and solidarity in intergenerational relationships: Spain, France and Norway in comparative perspective*, Universidad Carlos III de Madrid. Departamento de Ciencia Política Sociología, Papers 2012, 97/4.
50. Vogt, Tobias C. and Fanny A. Kluge (2015), *Income sources and intergenerational transfers in different regimes: The case of East Germany's transformation*, Demographic Research, Volume 33, Article 41, Pages 1153-1164, URL: <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol33/41/>